

## کتاب الادوار فی الموسیقی

تألیف

صفی الدین ابوالفاخر عبدالؤمن بن یوسف بن فاخر اورمیہ ای  
( ۶۱۳ - ۶۹۳ هـ . ق . )

پیشکش بکوشش یحیی ذکاء

رتال جلد - ۴ - سوم انسانی

فصل

در ذکر عود و تسویہ اوتار او و استخراج ادوار - بدانکہ قدماء وضع کرده اند آلتی کہ صاحب پنج وتر باشد و او اکمل آلات ذوات الاوتار است و اصطحاب او چنانست کہ مطلق هر وتری مساوی سه ربع مافوق باشد کہ نسبت مافوق بمادون نسبت مثل وثلث باشد ، پس بنا براین دساتین محتاج الیه هفت خواهد بود و باعتبار وجود هر نغمه با حدت او کامل شده است جماعات ، و مخصوص کرده اند هر دستانیرا با سمی و اسماء اوتار و دساتین بنا بر اصطلاح ایشان بر این نهج است :

دستان الجهم  
دستان زوزل  
دستان الفوسی  
دستان  
الزانیة مطلق الیوم  
دستان الخبیر

	ح	ز	ر	د	ج	ب	ا
الم	ب	ب	ب	ب	ب	ب	ب
المثلث	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک
المثنی	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک
الوتر	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک
الحاد	ک	ک	ک	ک	ک	ک	ک

پس مطلق از بم حدت او سبابه مثنی است ، وحدت سبابه بم بنصر مثنی است ، وحدت بنصر بم مجنب زیر ، ومطلق مثلث سبابه ریز ، وسبابه مثلث بنصر زیر ، وبنصر مثلث مجنب حاد، ومطلق مثنی سبابه حاد ، وسبابه مثنی بنصر حاد ، پس نسبت مطلق بم به بنصر حاد ، نسب بعد ذی الکل مرتین خواهد بود و بعضی از حکماء در عود و ترجماد اعتبار نکرده اند و بر چهار وتر اختصار نموده اند تا مصنوعات ایشان مماثل عناصر باشد چه گفته اند که وتر زیر مماثل رکن آتش و نغمه او مناسب حرارت، و نغمه وتر مثنی مماثل رکن هوا و نغمه او مناسب رطوبت ، و وتر مثلث مماثل رکن آب و نغمه او مناسب رطوبه ، و وتر بم مماثل رکن خاک و نغمه او مناسب یبوسه ، پس نغمه هر یک مناسب خلطی باشد از اخلاط اربعه که صفراء و بلغم و خون و سوداء بود ، و بیان چهار وتر باین نحو است که بعضی اغلظ از بعضی باشد بر نسبت افضل و او آن است که غلظ بم مثل غلظ مثلث باشد و مثل ثلث او و چنان است که بم سد طاقه ابریشم باشد و مثلث مح طاقه ابریشم و مثنی او طاقه و زیر کز پس از آن کشیده شود این اوتار اربعه بوجه عود ، اسافل اوتار در مشط و رؤس در ملازی فوق عنق عود، و باید طول اوتار مساوی باشند و در غلظ مختلف بر نسبت مذکوره و محکم به بندند پس از آن طول و تر را تقسیم نمایند بچهار قسم مساوی و دستان خنصر را نزد سه ربع از طرف فوق عنق به بندند باز تقسیم نمایند طول وتر

را از رأس بنه قسم متساوی و به بندند دستان سبابه برتسع بدستور مذکور باز تقسیم نمایند طول وتر را از نزد دستان سبابه تا مشط به نه قسم متساوی، و به بندند دستان بنصر را برتسع بدستور مذکور، پس واقع خواهد شد فوق دستان خنصر در طرف دستان سبابه، باز تقسیم نمایند طول وتر را از نزد دستان خنصر از طرف مشط بهشت قسم و زیاد شود بر او جزئی مثل او، از آنچه باقی مانده از وتر از طرف فوق، و به بندند در آن موقع دستان وسطی را پس واقع خواهد شد مابین دستان سبابه و بنصر، این است اصلاح عود و نسبت اوتار و موضع دساتین.

اما کیفیت اصلاح نغم و معرفت نسبت در مابین نغم. پس او چنان است که کشیده شود وتر و تند و تیز نماید وتر را تا بعدی که منقطع نشود پس از آن کشیده شود مثنی فوق زیر و تند و تیز شود و اصلاح شود بخنصر و زده شود بامطلق زیر پس چنانکه شنیده شوند این دو نغمه بمساوات، مساوی خواهند بود و اگر مساوی شنیده نشوند زیاد باید کرد در تندی مثنی یا سستی او تا برسند بعد مساوات پس از آن کشیده شود مثلث و تند و تیز بشود و اصلاح شود بخنصر و زده شود بامطلق مثنی و زیاد شود در تندی و سستی تا برسند بعد مساوات و شنیده شوند این دو نغمه گویا که يك نغمه است، پس از آن کشیده شود بم و تند و تیز شود و اصلاح شود بخنصر و زده شود بامطلق مثلث تا شنیده شود این دو نغمه بمساوات پس چنانکه شنیده شوند بمساوات بنحوی که گویا نغمه واحده است لامحاله مساوی خواهند بود پس چنانکه مساوی شدند این اوتار بنحو مذکور می یابی نغمه مطلق هر وتری را بالا اضافه بنغمه اصلاح کرده شده بخنصر مثل خنصر و مثل ثلث او در غلظ و ثقل و می یابی نغمه هر وتری که اصلاح کرده شده بخنصر مثل نغمه و تری که در تحت او است قط بالسواء و می یابی نغمه هر وتری مثل نغمه اصلاح شده بسبابه و مثل ثمن او بالسواء و باز می یابی نغمه مطلق هر وتری، ضعف نغمه و تری که بر تحت او است یعنی ثالث از او اصلاح کرده شده بسبابه و باز می یابی نغمه سبابه هر وتری مثل نغمه بنصر او و مثل ثمن او و بالسواء و باز می یابی نغمه وسطی هر وتری مثل خنصر او و مثل ثمن او و بالسواء حاصل این است که نیست وتری و نه دستانی از این اوتار و دساتین مگر اینکه از برای نغمات او نسبتی است

بعضی به بعضی . از این نسبتها فاضل است و شریف و بعضی نیست چنین . پس از جمله نسبت فاضله آن است که بوده باشد نغمه مثل دیگری بالساوات تا اینکه بوده باشد نغمه غلیظه مثل حاده و مثل ثلث او تا اینکه بوده باشد مثل و مثل نصف یا مثل و مثل ربع یا مثل و مثل ثمن پس چنانکه مساوی شد اوتار بر این نسبت فاضله و حرکت کرد حرکات متوازنه متناسبه حادث شده نغمات متواتره و متباینه حادثات خفیفات و تغلیطات ، پس چنانکه مؤلف شود انحاء تألیفات بنحو مذکور ، گردیده است نغمات غلیظتات تغال از برای نغمات حادثات ، خفایق مثل اجساد و نغمات حادثات مثل ارواح و حاصل شده است اتحاد و امتزاج و گردیده است الحان و غناء ، و مثل این اوتار بمنزله اقلام است و نغمات حادثات بمنزله حروف و الحان بمنزله کلمات و غناء بمنزله اقاویل و هوای حامل بمنزله قراطیس و معانی که متضمن است در این نغمات و الحان بمنزله ارواح مستوده در اجساد . پس چنانکه وارد شود این الحان بمسامع نفوس لذت برده است طباع و خوشنود شده ارواح و مسرور گشته نفوس چرا که این حرکات و سکونات که در مابین این حرکات است در این صورت مکمال خواهند بود از برای ازمان و محاکمی از برای حرکات اشخاص فلکیه ، چنانکه حرکات کواکب و افلاک متصلات و متناسبات و مکائیل می باشند از برای دهور و در صورتیکه بر غیر طریق حق که استعمال کرده اند حکماء بلکه بر سبیل لهو و لعب و ترغیب در شهوات لذات دنیا و غرور باتانی ان ربنا خلقنا من سرور انفسنا .

رتال جامع علوم انسانی

### فصل

در اسماء ادوار مشهوره و دوایر اصلیه اهل این صناعت ادوار را شدود نامیده اند و از برای هر دوری اصلی است که مبنی علییه آن دروست و نظر باینکه عمده اصلی در این فن تألیف الحان است و تألیف الحان میسر نمی شود تا اطلاع بر کیفیت ابعاد آن نشود پس لازم است که بیان ابعاد دوایر و بیان کمیت ابعاد معضول و معضول عنه از وتر بشود تا طالب را زیادتى بصیره حاصل شود و چون دوایر منقسم با ابعاد ثلثه لحنیه میشوند پس باید بیان کیفیت استحصال ابعاد ثلثه لحنیه بشود بآن طریق که وتر ۴ را بیست قسم

متساوی میکنیم و فصل میکنیم از این اقسام بیست گانه يك قسم را از طرف  
 انف و بر نهایت آن ب علامت میگذاریم باز وتر  $۱۱$  را شانزده قسم می -  
 کنیم و فصل میکنیم از این اقسام شانزده گانه يك قسم را از طرف اتقل و  
 بر نهایت او ج علامت میگذاریم باز وتر  $۱۱$  را نه قسم میکنیم و فصل میکنیم  
 از این اقسام يك قسم از طرف اتقل و بر نهایت او د رسم میکنیم.

و چون این طریقہ معلوم شد بدانکه در نزد ارباب این صناعت دوایر  
 اصلیه دوازده است و هر چند اسامی آنها بر کنار جداول دوایر برخی ثبت  
 است ولیکن نظر به بیان کمیت اعداد معضول و معضول عنه به آن اعاده شده  
 بر این مثال :

**دایره عشاق**  
 مثال جامع علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۸	۱۹۹	۱۲۰	۱۹۹	۱۲۰	۱۹۹	۱۲۰	۱۹۹	۸
ط	ب	ط	ط	ب	ط	ط	ب	ط
ح	پ	پ	ح	و	و	و	و	ت

این دایره اولی از دایره هشتاد چهار گانه که حاصل شده است از  
 اضافه قسم اول از طبقه ثانیه با قسم اول از طبقه اولی .

## دایره نومی

۱	۸۹	۱۹۹	۸۳	۸۹	۱۹۹	۸۳	۹	اعداد
ط	ط	ب	ط	ط	ب	ط	ط	ابجد
ح	پ	ب	یا	ح	ط	د	ا	انفیات

این دایره چهاردهم است که حاصل شده است از اضافه قسم ثانی از طبقه ثانیه بقسم ثانی از طبقه اولی .

## پوشگاه علوم و فنون مطالعات فرهنگی بوسلیک

۱	۸۹	۱۹۹	۸۳	۸۹	۱۹۹	۸۳	۳	اعداد
ط	ط	ط	ب	ط	ط	ب	ب	ابجد
ح	پ	ب	ط	ح	ط	ب	ا	انفیات

این دایره بیست و هفتم است که حاصل شده از اضافه قسم سیم از طبقه ثانیه بقسم سیم از طبقه اولی .

## واست

۹ اعداد	۸	۱۶	۱۵	۱۶	۱۵	۹	۱
ا ب ج د	ط	ج	ج	ط	ج	ج	ط
انتهات	د	و	ح	پ	ع	پ	ع

این دایره چهارم است که حاصل شده از اضافه قسم چهارم از طبقه ثانیه با قسم چهارم از طبقه اولی.

## دایره رباعیه

۹ اعداد	۸	۱۶	۱۵	۱۶	۱۵	۹	۱
ا ب ج د	ط	ج	ج	ج	ط	ج	ط
انتهات	د	و	ح	ی	ع	پ	ع

این دایره چهارم و دوم است که حاصل شده از اضافه قسم ششم از طبقه ثانیه با قسم چهارم از طبقه اولی.

## دایره اصفهان

اعداد	۹	۸	۱۶	۱۵	۱۶	۱۵	۹	۸	۱۶	۱۵	۱۶	۱۵	۱۶	۱۵
اباد	ط	ج	ج	ج	ط	ج	ج	ج	ج	ج	ج	ج	ج	ج
انتهات	د	و	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح

این دایره چهل و چهارم است که حاصل شده از اضافه قسم هشتم از طبقه  
ثابت به قسم چهارم از طبقه اولی

## دایره حسینی

اعداد	۱۶	۱۵	۱۶	۱۵	۹	۸	۱۶	۱۵	۱۶	۱۵	۹	۸	۱
اباد	ح	ح	ح	ط	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح
انتهات	۴	۵	۸	۱۰	۱۲	۱۵	۱۸						

این دایره پنجاه و نهم است که حاصل شده است از اضافه قسم پنجم  
از طبقه ثابت به قسم پنجم از طبقه اولی



## دایره حجازی

اعداد	۱۶	۱۵	۱۶	۱۵	۹	۸	۱۶	۱۵	۹	۸	۱۶	۱۵	۹	۸
ابجد	ح	ح	ح	ط	ح	ح	ط	ح	ح	ح	ط	ح	ح	ح
انفیات	ج	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح

این دایره پنجاه و چهارم است که حاصل شده از اضافه قسم یازدهم از طبقه ثابته بقسم پنجم از طبقه اولی

## دایره برافند

اعداد	۱۶	۱۵	۱۶	۱۵	۹	۸	۱۶	۱۵	۱۶	۱۵	۲۰	۱۹	۹	۸
ابجد	ح	ح	ح	ط	ح	ح	ح	ح	ح	ب	ح	ح	ح	ح
انفیات	ج	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح

این دایره پنجاه و نهم است که حاصل شده از اضافه قسم یازدهم از طبقه ثابته بقسم پنجم از طبقه اولی

**دایره راهوی**

اعداد	۱۶	۱۵	۹	۸	۱۶	۱۵	۱۶	۱۵	۱۶	۱۵	۹	۸	۹	۸
ابجد	ح	ط	ح	ح	ح	ح	ح	ط	ح	ط	ح	ح	ح	ح
انتهت	ح	چ	و	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح

این دایره شصت و پنج است که حاصل شده از اضافه قسم پنجم از طبقه  
ثابت به قسم ششم از طبقه اولی

**دایره عراقی**

اعداد	۱۶	۱۵	۹	۸	۱۶	۱۵	۱۶	۱۵	۱۶	۱۵	۹	۸	۹	۸
ابجد	ح	ط	ح	ح	ح	ح	ط	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح
انتهت	ح	چ	و	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح	ح

این دایره شصت و نهم است که حاصل شده است از اضافه قسم نهم از  
طبقه ثانی به قسم ششم از طبقه اولی

## دایره بزرگ

اعداد	۱۲	۱۵	۹	۸	۱۴	۱۵	۱۲	۱۵	۲۰	۱۹	۹	۸	۱۲	۱۵
ابجد	ح	ط	ح	ح	ح	ب	ط	ح						
نقطه	ح	و	ح	و	ح	ی	پ	ا	ی	پ	ا	ی	پ	ا

این دایره هفتادم است که حاصل شده از اضافه قسم دهم از طبقه ثانیه  
بقسم ششم از طبقه اولی

اما بواقی ادوار آنچه متنافر است ملتفت الیه نیست اگرچه بعضی از  
ماهران از اهل عمل بواسطه حسن تلافی در انتقال متنافرات را چنان استعمال  
می کنند که نفس را از آن تنفر حاصل نمی آید و اما آنکه ملایم است بعضی  
همین دوایر که در غیر موضع خود واقع شده اند چرا که هر یک از این دوایر  
را هفده موضع چنانکه بعد از این مذکور خواهد شد و پس از تألم معلوم می-  
شود که مثلا دایره هفتاد و ششم اصفهان است در طبقه دویم و پنجاه و پنجم نیز  
اصفهان است در طبقه سیم و چهل و شش نیز اصفهان است در طبقه هفدهم و  
دایره حجازی بنا بر رای بعضی دایره شصت و چهارم است در طبقه اولی و اما  
بنا بر رای صاحب ادوار دایره پنجاه و چهارم است و لکن در طبقه ثانیه و چون  
تمام گشت مباحث دوایر اکنون رسم جدولی میشود که مجتمع باشند با بیان  
دستانهای هر یک علی الانفراد چنانکه رسم است در کتب متقدمین تا مقدمه  
استخراج طبقات گردد.

عشاق	مطلق المثلث	سبأ به المثلث	بنصر المثلث	مطلق المشئ	سبأ به المشئ	بنصر المشئ	مطلق الزبر	سبأ به الزبر	
نوى	مطلق المثلث	سبأ به المثلث	قوس المثلث	مطلق المشئ	سبأ به المشئ	قوس المشئ	مطلق الزبر	سبأ به الزبر	
بوسليك	مطلق المثلث	زايد المثلث	قوس المثلث	مطلق المشئ	زايد المشئ	قوس المشئ	مطلق الزبر	سبأ به الزبر	
راست	مطلق المثلث	سبأ به المثلث	زلزل المثلث	مطلق المشئ	سبأ به المشئ	زلزل المشئ	مطلق الزبر	سبأ به الزبر	
عراق	مطلق المثلث	معجب المثلث	زلزل المثلث	مطلق المشئ	معجب المشئ	زلزل المشئ	مطلق الزبر	معجب الزبر	سبأ به الزبر
اصفهان	مطلق المثلث	سبأ به المثلث	زلزل المثلث	مطلق المشئ	سبأ به المشئ	زلزل المشئ	مطلق الزبر	معجب الزبر	سبأ به الزبر
ريز افكند	مطلق المثلث	معجب المثلث	قوس المثلث	مطلق المشئ	معجب المشئ	قوس المشئ	زلزل المشئ	زايد الزبر	سبأ به الزبر
بزرگ	مطلق المثلث	معجب المثلث	زلزل المثلث	مطلق المشئ	معجب المشئ	سبأ به المشئ	بنصر المشئ	زايد الزبر	سبأ به الزبر
زنگوله	مطلق المثلث	سبأ به المثلث	زلزل المثلث	مطلق المشئ	معجب المشئ	زلزل المشئ	مطلق الزبر	سبأ به الزبر	
راهوى	مطلق المثلث	معجب المثلث	زلزل المثلث	مطلق المشئ	معجب المشئ	قوس المشئ	مطلق الزبر	سبأ به الزبر	
حسينى	مطلق المثلث	معجب المثلث	قوس المثلث	مطلق المشئ	معجب المشئ	قوس المشئ	مطلق الزبر	سبأ به الزبر	
حجازى	مطلق المثلث	معجب المثلث	قوس المثلث	مطلق المشئ	معجب المشئ	زلزل المشئ	مطلق الزبر	سبأ به الزبر	